

نقرا محمد رانق
مع حال پستار فقیه ملک الشراعی

نیز آنچه حق ملک الشراعی دارد سال ۱۳۰۴ هجری قمری در کتبه بر کتبه سید ادرع حاج میرزا محمد کاظم
تمتص بصیرت ملک الشراعی است تقدیر بود. حداد در جوانی از کاشان عمر سال ۱۳۰۳ است که
در کتبه ساکن است. بار اصل ادب است رازدیده آریف ریاضات و منطق را از میرزا عبد الرحمن
میرزا آرتق و دوسه نحو را نزد شیخ محمد نخوی بیابان رسیده. برادر بزرگش ۱۳۲۳ قمری
نزد میرزا عبد الحمید ادیب شاد بود و صد علمایان دیگر در معلمات فارسی و عربی را آنگن کرد
در آن موقع تاریخ ادبیات و تاریخ عمده را تا حدودی که معمول زمان بود خوب می دانست. مدتی حافظ
و مستعد لفظ را در مجال سواد که با رفعت کم معلمات و تدارک می دانست

برادر بزرگش میرزا محمد و لغت ملک الشراعی است تقدیر طبعی زمان نطق و آشنایی به اورد لغت
و با بر سرست فائز الهم و صاف نطق دولتی و لغت ملک الشراعی است و در این بعد میرزا شمس در کتب
علوم مختلفه کوشش کرد و عربی را با آنکه بگذرد کامل خواند به از نو آغاز کرد و کتب عربی و
علمات هر یک از کتب عربی را در وقت سفیرانه
مدت بطریقه مع در نیمه از محرابی که ملک از زمان روزنه ایران و سایر طایفه

و هم عام آیین را سیده و حقیقتش در ضمیمه
در واقع زمان عربی در بطریقه مع کلید بر آن که در آن علوم و در آن خبر جدید عربی را بر آورده
ادکوده. بار اگر هم رکعات و اوزان بود که در کتبه شرط است در وقت ایران مدارد و یکبار
حاصل سنتی در تمام این کتبه راه یافت در از فخر کتبخش بنی محمدیسان دگر عیسایه در آنست
بر اثر امکنش که بعضی از آنها با دهرها و آینه ها که از طرف احوار و شرطه حوالتان برورد
که بر گفته آن اسلابل - تبریز - رشت - اصفهان - کتبه - بیت حیدریه - فارسی کتبه
در کتبه انجمن بنام سعادت "بیت ارتباط با انجمن سعادت" اسلامبول و احوار را در که بوجود آمده
چنین از حوالتان در حوالت و مستخدمین دولت و طلاب و کتبه و کتبه و کتبه در آن انجمن

روستای سگوه ارادگوان موضع است و در ایران دارا نحمد الله بنماست این فتح من حق و دروغانی
 زلفی است و دروغانی ارادگوان را بر پادشاه من حق فالت زنادر کرده و در آن
 دست سردار و اشعار بهیمن خوانند که تمام آرا ملک الشواریان سابقه کن. از آن لیر
 و خندان طوس که در آن اشعار و وطن پرستانه فریاد لبایکالت بر سر و بیگانه احاطه
 بودند محبوب نام شعار "۲- بار" تشریحیه است سعادت سکا و احاطه ملک الشواریان در میان
 مردم تقدیر بود که بعد از مدتی نام بار بقیه اول و افزونگی ملک الشواریان در بر ایران مورد

گردید نام او نیزه حاضی فحاشی
 در سال ۱۲۲۸ قمری در کرات ایران با تمام صدر حال عموانلی که از شوالیان
 اعرار سران و در آن سازد که در کوه اولی گفته این وقت در منزل عمرا محمد خان
 رئیس اداره کشکس و در آن عهدت بخدمت از ملک الشواریان - شیخ محمد عواد لهرانی
 میرزا ابراهیم خان رئیس مالیه - حاج شیخ محمد عقیق کمر - حاجت و در الورد از خمیر - میرزا علی محمد
 میرزا عیسی خان رئیس اداره گندم

روستای سگوه سر از دو نیم صدر عمرا علی وقت به ایران دولت در کرات در حال
 حال گرفت و ملک مخفی خود در روزنامه "لوزهار" و العوان ارمان فری در کرات
 ایران انت رداد. اکنون دیگر ملک الشواریان است تقدیر ملک الشواری دولت بود

"ادین حله سترانه غرب کرات ایران در رهنه در ۱۲۲۸ قمری" سیر گویشاد
 افتتاح به بعد از آنکه شیخ حسن لاره حله را امتناع کرد ملک الشواریان لفق بهیمن رضه
 در ملاز روس و انگلیس در داخل ایران اراد کرد که نه تنها را آنگان داد

"بعد از مدتی شکست غرب در لوزهار خیز فریاد هم دار کرده
 با و برقیست حاضی و حاضی در کتبه شد آورد دادین سعادت شد و در کشکس او رضه استوار
 در افلا روس و انگلیس در روزنامه که صاحب است از آن خود میزنند کرده

کند و کوشش آزار در روز بلافاصله محالست خود را با حق دگر است آشکارا در سال ۱۲۲۹
 هر دو کار ترافی بر افرایح که توسط از ایران اولسها هم به مدد دولت ایران دادند و در آنکه
 قصار نیز در گیلان دلبسته به ن محلی دم در گیلان نافرالکک بیان آنم دگر آثار و زبان نیز زعفر
 نگرانی که با بعضی نشان همرا از ایران به دگر تعادست خود داد با از ارا بستند و در کیم برداشته
 و همه از مردم در گیلانته اقیام کرده روزنامه نو را که بر دو کار ترافی جمله میگردد و با هر صبح توسط اول روزی
 توسط در خانه لار کجا می آن مشر کرده در این ضمن ارتباط با ایران قطع شد و دگر اها دهار
 ملاک تصفی که بود که ناگهان خبر رسید که نافرالکک محلی دوم را نقل کرد و او تنها هم را نیز برست
 بدست نگرانی در ترقی الدوله (در مجرم ۱۲۳۰) ضرر منزه آن لاری نیز توسط

لاری با هر صبح توسط در بر با اتفاق بست نفرا از افراد فعال و دگر است ایران بقدری
 دور و دگر است دوم خانه ثابت لاری از ارسال فعالیت از اول و بسیار اولین از گیلان

چند ...
 نوشته میگردد بقیه تهران نفع شد انرا احوال اولد است
 لاری به راه گشته و در آن با صد خان عمر افلی که با اتفاق ارفیع رفیع عازم گشته به فلان
 کرد با راننده ارباب خرد و در آن که حضور گشته لاری همگی در آنجا حاضر گشته و با هم
 و با آنها گشته شد بر از آن ملاقات بر یک راه خود داده دادند لاری با هر صبح که مرکز اردو
 ملوک بود به دست یکماه و نیم توقف کرد و در از آن تهران فرست کرد
 نوشته میگردد بعد از تکمیل لاری باز به هر دست و نو را را دار کرد در همین احوال نشانیات
 در به سوم محلی بود در ۱۲۳۲ هر در زمان اعتدال در لاری از زم ولایت خراسان
 کلات در مرض کوکبیت محلی بود این نشانیات در محلی سوم فعالیت لاری در میان
 از راه لاری در دفع حجاب گریبان شام محرم را از دست

سرع رتبه ۱۷

فراگدون ابدال کوفک نصی پشت علمه که برات مرحوم مدین مکتب مدینه با یار صافه کرده
 دل تر از می ماه اعتبارانه بک نصیب شده و در آیم بن قصه هاوت پیرانه. هاریم خود
 لاجون بقیه رفت در هم از طرف کتبه دفاع ملی با آفاق مرحوم شارالد که ملک و آقا
 مجلس آرد بیه و بعضی دیگر از ناسیگان در حال محلی تا درسته که بقوه الزور خسته و با ما
 خان کاشی و دیگر که با ۲۵۰ نفر سوار بفرم و قصد حاد با بها جهن روزی ساید ملاقات
 کند در بارگت از این کفر در سکه رتبه دست چیه یار بکت حکوم تری که در در کمال

ان قطعه را ارد

فصل در راهی گواهم پس
 نقم از راهی بزرگ شوم
 رت که کریمم تر از وطن

در آن نقم چینی گنا هم پس
 در طمان این یک دستا هم پس
 دست در آستن گواهم پس

دو تنه بکنده لایه برار صاعقه دست سهران رت و در از فخر از طرف کتبه دست
 (سه ساله) بر اسال بنفیده در بخیزد شرف کوه بیداند می ماه به ان افسار
 دیال ۱۳۳۹ هجرت و کت مجلس از بخیزد برار حصه طایم ایما

لایه درام دوسه انجمن دانگت و محله اراکان نام دایر کرد
 لا درام محله پیر در حال بزرگ ادب که ساه افتخار امروز ایران از یار همایه مکرده
 حقیقتاً محله دانگت حیات ترانه آن بادیات ناکار در مطالب آن بنده که نکه است
 در بار کتبه در انجمن ایان ناکار بیاد بنفیده

نوسنه بگوه حوصه طایم علیه دور بر پور بن مکرده که از بیابان پستان
 سلطنت ما خاربه و نقود بجه سفر زور در راه آن که لایه خ نو بار را
 در راه آن حای سکر و علم حای جهل مبارزه نمود و نقلا

(داگودس، اراد در کتب، نقل عمو، تفسیر بدینسان) نوشت
 « بار در تاریخ افواج سکا چنین نوشت [در مجلس چهارم پس از نوزده دگر آنها وجود داشته و در آنست
 فراگینون و جمع نده و اگر نام همه باسم اعتقاد ازیم نوزده اگرست مجلس چهارم است و در آنست
 افضا به سه ولی بعین و هائی این آرزو امید داشت حصول بنجده و وقت بزرگی آردست
 دگر آنها مجلس بیرون رفت]

« نوشت در دوران مجلس چهارم مدرسه روزانه ایران بهار می که سکه نوزدهم آرد
 سرزده ای اگر مردستانی را تعین کنم که در این ضمن قصه ای و سخن بزرگانه آرد و باز
 بار دیگر در اینها سرور روزنامه ایران کرده .

در این دوره بار خیزه اگرست مجلس بی و در نوزدهم از اگرست خندان سگار
 در دور پنجم مجلس بود ای بار از کاشتر امروز و کاشتر آرزو و کاشتر
 دوره پنجم مجلس یکبار از ادوار سکا که در فضل عا کرد و این را در تاریخ شریعت
 ایران گنوده است

یکی از بهترین وقایع و حوادث آن انوائی سده مآبانه است
 یکی از دسیماست سکا که نقش بسیار فاس و حفظناکی در مجلس انفا بمود فراگینون
 داشت بود سیر فراگینون اقلت مدرس و یکی از انفا؛ حدیث و فضل این مرد گرن
 ملک اشوار چهار که تا آفرین قدم بایدرک مجار همراه بود سارزای سکا که در
 این دوره بسیار با اهمیت است در راه در تاریخ ایران است

لا در در سگارین مدرس ضمن مذاکره کرد نقش محسن را گنوده است
 و این خط قرصنی را که سببیت نامر با بود در در بار رسیده سها آرد گنوده است

آنرا روز دوشنبه شب جان گذاره من در دهان لودم که تا آن وقت در آن ماه در راه اسرار بقیه است
 و در آن اسرار همان سوابق معلوم است زویش رساله و با بعضی بیست و هفت سال در
 سال ۱۴۱۲ لغز همان سال که در تقصیر لبر میروم تقصیر است گوئی عمر در این مقص
 لغت و عیب با کفایت من فرما الحمد لله در یک در بدی رسالتی دارم که
 بر آن حال زندگی و کثرت است و تقصیرات دانسته از او است بنام خود اسرار تا لطف
 کردم و در محله با خبر و دم جدا گانه بجای رسیده

(شماره ۵۴۹) و آن زمان من که دوست شایسته ای غم بر پا داشتن هزاران فردی
 کرد و آنکس فقط آنرا می بازر بلط است آری آنرا اعلام داد و دانایان از آن کرد
 و هر طرف ایران دعوت شدند و هر قوم هر نعل زوفی اعلی الله مقامه که تمام رایت فرزندان
 در آن باره دوستان با هم کردند و با آن طایفه می نازند و هر ایرانی که در عشق
 هزاره استاد تهران ناز آورده از آن پس نیز چون صاحب خود را در دانش سرای عالی
 و دانگنه ادب است با این با خبر در آن زمان چند درس کمال و نظیر زبان فارسی و عربی
 و بعد از آن تصور کرده که در دانگنه ادب است کجاست انتقال در زخم و متوجه که در آن ام
 بدین حدت بزرگ که ماه بیست و من است انتقال دارم و دوستان عزیز من
 بدین نام بیست و در این حدت و همان مفران لطیف که خوانده تنفرد
 این همه اراد در لذت و خوشتر است این همه جمع عزیز از کتب خود که وضع
 خوانی و در سب آن شهر و خانوادگی است و چه خوب است اما در قطع هر روز
 و در آن حدت لایحه که هر روز

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسیار بزم بس نه خواندم	ز کفایتی و از اهلوانی
بکنین تر نشسته عکس به ماتم	که ترش برم زانک رو نان
خوانی بد بگلونه ریاد دادم	بذارم کنون از خوانی نشانی
بیاد خوانی گزین سوره آم	بدین بست بر طار خسروان
خوانی من از طوطی یاد دادم	در نفا خوانی اهورن خوان

تا چیزی که شده کسی دل افروزیه و جان بیباید است - جان فدایان است که در دست
 چهل سال امامت - در زینت ایران و ادبیت شریک در کفایتان امام خود را تمام در ایام
 صد اعانه سودمند دوام راهی و است ولایت و تحقیقات و شجاعت بر همه مکرر کنید
 در صفا عوام نوایران و تانهای و در انگلیس و ممالک دیگر مانند در ایران
 در صفا و غیره در بیچ کرده و در کمال است از فضیلت منزل و قطعه و در بیچ و غیره
 نزد اسم که من از آن نه بیچ و شفقت و صفا و در کفایت و است و در کفایت و در کفایت و در کفایت
 در وقت که طبع آنرا تجدید کنم

باردشال ۱۳۲۸ هجری با تمام اللغه تحت و زیر همایش کرد در دانش فنی در کمال
 ایران صفاست محمود و از آن فیه سنانگی محلی بود امین آنجا بیچ و بیچ و در کمال
 باران آن فیه گزیده حیدر مای نمرود کابنه تمام اللغه و در زیر فیه گزیده ایست
 زیارت و فیه چیز بیچ تمام ملک نمرود مای لکده که سعوا لاد از در است - فیه از اول
 فرخ استاد شود اب عرضان این سفرا در ضمن قطعه شکر ای حین بیچ ایست
 حیدر ملک و در نه و قدر خوشتر است
 تا به ملک نمرود بیچ دیگر ممال

آری اگر ملک نبود برتر از حیدر
 و از در نه بیچ که بیچ بود تا حیدر
 چون نه و در در است بیچ بیچ نظر

دوروزه و دروز و دروغ آتم براد
دوران ملکیت را با من ملک امر
از شام سر عهدت کنی ایمن و جبر

دوروزه و دروز و دروغ آتم براد
دوران ملکیت را با من ملک امر
از شام سر عهدت کنی ایمن و جبر

۱۲۴۹ بعدت کت بسوس بسیار است و در از عهدی با بران ملک
داز غوغا از غوغا خود در رکت بد است تا آنکه کت تحف یافت در مرداد ۱۲۴۹

بر جمع از آن برادران صلح کرده و وقت معرفت عهد عهد راناف
دلا محض در حین سال در سفری در صفا ر بود و قصد داشت که بمشرف عالم
بدین غرض نماید که اصل مهلت بداد

لا اله الا الله مسلم شکر داد عهدی در آن سفری که بمشرف عالم آمد
سک و زانی با شکر آن است که غلب و صفای با بران ملک است علاوه بر صفای
مترتیا تم بسک عراقی دارد که با بهترین غزوات سعدی و عاقبت رکت بکنه و صفای
را که در استعدال صفای بد مانعه حالت از اصل بهتر است ۷۰ برابر آدم را از عالم قدما فرار
گذشته و صفای مانه و در آن که بیع لشکر آن با شکر در در شام سر عهدت کنی ایمن و جبر
رکنه و مانه را از آن زمان است از صفای بعضی بعضی که با شکر از آن برادران شام
است انوشیروان است که با بر مقتضای هر از خود یکی بعضی از آن دفعه و یکبار آنکه آنجا
خود را با صفای بطریق کند در صدد بر آید که محط را با اطفال خود دفعه بیه و شکر که
در برابری از آن در وطنی برسی شروع آید که در آن بدعاست با در در شام خود تا از
کل و بلیس شکر شکر و طبع غذا داد خود را در صفای و صفت بجایه با بر رکنه و در شکر آن
دعیه از آن در راه روشن کردن از آن در شام سر عهدت کنی ایمن و جبر ۷۰ علاوه بر صفای
در صفای استعدال شکر شکر که در شام سر عهدت کنی ایمن و جبر، دگر صفای، دگر صفای

سازمان تبلیغات

تکمیل شده

دو گروه در تربیت کرده که از سازمان در فک عالم ادبیات نیز بهره‌مندند. در سال ۱۳۴۷ افر عمر که
 فک مهاجرتی از راه نامه قدسی نون دیگر نوگر و ادبیات گند نمود و اثر در بدیع و سابقه
 بر بعد تعداد آن نفعی که به دست می‌آید به بیست و نه مطالعات و مطالعه و گفتگو و
 تدوین چندین ساله است و به که علاوه از آن اثر است که در وزارت فرهنگ است و اثر در سه
 نشر نموده این که جلد بیست و یکم نشر شده است از اسلام تا عرفان و از ادبیات
 بسیار نفی است که در نشر آن در افغانستان و نیز در پاکستان دعوت برادران
 نفع حاصلت دارد

(۵۲۷) مردم با اظهارات شگردان خود با کمال عصبه و دردناک نشر میداد و کلمه در کمال
 را در اظهار عقیده در سرفا ادری از ادبیات و سخن از آن نظر نموده است. بخوانید که در
 حق و صفت کرد و در دعوی که به نفس و سالکی در با تا فرین در که به بین مردم حکمت
 به بار با کمال و صفت و حدیث از بهای مردم نماندند و در از آن از دست محوام در حق
 و ستاد بدیع الزمان فرود افتد که خود از راسته سلم خود ادب است و راجع به تمام ادبیات
 خبر شیر در مجلسی است ضمن اظهار عقیده نمود. (وقتی به وقت سال است که نامرئی است و
 در ایران به بیننده) ما به علاوه بر بیان مادی و غیره و نیز در بیان مادی و غیره و نیز در بیان مادی و غیره
 و آثار او در دست کردن بدیع ادبیات ایران نیز از اسلام حدیث همی تمام ادبیات که در
 در دست نگاشته است

- ۱- کلیات اشعار و تعداد از هر جهت است که هنوز بهای نیست (این دارم وزارت فرهنگ است)
- ۲- مردم نفع از بیاید رسانه
- ۳- تاریخچه افراد است با انواعی تا چاره
- ۴- سبک نوشتار در سه جلد
- ۵- چهار قطعه تنظیم

تقریرات
روزانه در آن ماه ۱۳۳۰ سال
تقریرات

۵- ترجمه احوال محمد بن جریر طبری

۶- زبان شیرین سید باکتران صفا

۷- رساله زنده گان مانی

در کتاب معقد در تاریخ سیستان - مجله المراسم و القصص - جوامع الکلمات به تصحیح او با خود
بیا رفیق شکر کرده

ملک التواریخ استاد دینار محمد در دانشکده ادبیات و ادب دکترا بدر کسر کجوت

دانشستان و کتبه سواد عالی و شکرانند
ملک نظام دفات خرنامه یک وفات سکون در صد امی کتاب خرنامه از خود نامی مللا

ملک التواریخ و تاریخ تصحیح او در دهه ۱۳۳۰ بمصر در گذشت
آنمضمون در نوبت با جمعی نام تبارگاه خاندان آنمضمون در نزدیکی مقبره امیرالدوله به بزرگی

ورده و در آنجا دفن گردید

مدارک و حال او در جوابه و مملات ایران کتبی نامه تهران و ایران مادرش او خود ملک
در مدت کتبه نارسه